

عوامل استحکام و فروپاشی سبک زندگی خانواده

از منظر قرآن و روایات

□ محمد حسین حافظی *

چکیده

یکی از کانون های مهم اجتماع، خانواده است. نخستین کانون اجتماعی خانواده زن و شوهر است. اسلام اهمیت بسیار زیادی به خانواده و حفظ و استحکام آن داده است. علاوه بر این استحکام خانواده از مهمترین عوامل استحکام اجتماع امنیت روحی و روانی در خانواده مهمترین عامل تحقق امنیت روانی در جامعه است. هدف نوشتن این مقاله بررسی عوامل اصلاح و فروپاشی سبک زندگی خانواده از منظر قرآن و روایات می باشد این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی نظری است و مطالبی که حاصل گردیده به جهت تحلیل به روش کتابخانه ای اسناد جمع آوری شده است. در این تحقیق قدم اول با استفاده از مطالعات کتابخانه ای اول به بررسی سه آیات مهمی که مربوط به خانواده هستند پرداخته شد در قدم دوم با استفاده از منابع غنی اسلامی مانند بحار الانوار، الاستبصار... روایاتی که مربوط به عوامل اصلاح و فروپاشی سبک زندگی خانواده هستند جمع آوری شد در قدم سوم عوامل تعمیری و تخریبی سبک زندگی خانواده از نگاه قرآن و حدیث را بیان نموده و نتیجه نهایی بیان گردید در این نتیجه این پژوهش در قرآن سبک زندگی خانواده به عنوان آرامش، سکون و اطمینان نام برده شد دین مبین اسلام به عنوان کامل ترین دین تمام ابعاد زندگی انسان را اعم از فردی و اجتماعی شامل می شود یا بهره گیری از آن می توان در زندگی خانواده بهترین سبک زندگی را انتخاب کرد ایمان، تقوا، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی خانواده از منظر اسلام است آیات قرآنی به بهترین سبک زندگی ازدواجی را معرفی کرده اند.

واژگان کلیدی: استحکام، فروپاشی، سبک زندگی، خانواده و زندگی قرآنی.

مقدمه

از آنجا که در همه یا بیشتر حوزه ها و ابعاد سبک زندگی بشر، تاکید فراوانی بر خانواده می شود، می توان به راحت گفت که سبک زندگی خانوادگی اهمیت فراوانی در زندگی انسان دارد. دین مبین اسلام به عنوان کامل ترین دین تمام ابعاد زندگی انسان را اعم از فردی و اجتماعی شامل می شود. از نگاه اسلام تشکیل خانواده یکی از مهمترین بعد زندگی انسان به حساب می آید.

(مَا بَيْنِي فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ) (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲) در اسلام هیچ نهادی محبوب تر و عزیزتر از تشکیل خانواده در نزد خداوند بنا نشده است. از نگاه قرآن تشکیل خانواده منبع صفا، محبت، مودت و آرامش جسمی و روحی انسان است. چنانچه خداوند متعال در سوره مبارکه روم می فرماید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ). (روم/۲۱) و همچنین ازدواج باعث گشایش از تنگدستی و فقر می شود قرآن می گوید: (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (نور/۳۲) در روایات هم تعبیر های بسیار زیبا درباره ازدواج بیان شده است. با توجه به آیات و روایات می شود گفت ازدواج یکی از ابعاد مهمی زندگی انسان است که با فطرت انسان هماهنگ می باشد و موجب تربیت قوای طبیعی انسان و غرائز و تامین نیاز های اصیل اوست. یک سیره در همه اقشار مردم چه دین دار باشد و چه غیر دین دار در همه عقلا وجود دارد و رائج است این است که وقتی کسی ازدواج می کند به او هدیه می دهد، خداوند هم در قرآن این هدیه را مودت، محبت و سکونت قرار داده است. آرامش و سکون چیزی هست که انسان برای به دست آوردن این نعمت بزرگ الهی دست و پا می زند چه در امور مادی باشد و چه در امور معنوی. کسانی که دنبال فحشاء هستند آرامش ندارد، دچار عقده های سنگین و بزرگ روبرو می شوند. سوال

این است که چه عواملی باعث استحکام خانواده از نگاه آیات و روایات می شوند و باعث تعمیر این سرمایه بزرگ الهی می شوند و کدام عوامل باعث تخریب و فروپاشی و باعث کم شدن این سرمایه الهی می شوند؟ در این بخش تحقیق به برخی از مهم این عوامل تعمیری و تخریبی را می پردازیم.

مفهوم شناسی:

الف) سبک زندگی

عبارت «سبک زندگی» ترجمه واژه انگلیسی (life style) است. سبک زندگی از دو واژه «سبک» و «زندگی» تشکیل یافته است. واژه «سبک» در لغت به معنای روش، شیوه، طرز، راه و رسم، قاعده، اسلوب و... (معین، فرهنگ فارسی معین، ۲: ۱۳۷۱/۱۸۱۸؛ انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۵: ۱۳۸۳/۴۰۱۶). کلمه «زندگی» نیز در لغت به معنای عمر، زندگانی، حیات، زیستن، معاش، زنده بودن و... (معین، همان، ۲: ۱۳۷۱/۱۷۵۳) برای «سبک زندگی» تعاریف گوناگونی به چشم می خورد. سبک زندگی ترکیبی از صورت (سبک) و معنا (زندگی) است. رفتاری برآمده از باورها و پسندها و مبتنی بر دیدگاهی مصرح و آگاهانه یا غیرمصرح و نیمه خودآگاه در فلسفه حیات است. سبک زندگی را نمی توان از باورها و ارزش ها بریده دانست، ظواهر زندگی حاصل آن باورها و پسندها است. مهدوی کنی می نویسد: سبک زندگی عبارت است از: «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس کننده گرایش ها و ارزش های فرد یا گروه است و همچنین عادات، نگرش ها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را شکل می دهند» (مهدوی کنی، ۱۳۸۶) دین و سبک زندگی، تهران: ص ۷) حاصل آنکه سبک زندگی عبارت است از: مجموعه ای از عادات روز مره در زندگی در حوزه فردی، خانوادگی،... و در بعدها ی عبادی، علمی، اجتماعی و... که در زندگی انسان نهادینه شده اند.

ب) خانواده

فیروز آبادی درباره تفسیر و تعریف خانواده در لغت می گوید: خانواده سپر آهنین است و برای مرد نیروی مطمئن (فیروز آبادی، قاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۲۸) خانواده، نهادی است که بر پایه ازدواج مرد وزن شکل می گیرد و با تولیدمثل، توسعه می یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم ترین عامل تکامل جامعه بشر است و از این رو، اسلام، که برنامه ی تکامل انسان است برای تأسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت ساز و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیار مهمی ارائه کرده است. (ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قران و حدیث، ۱۳۸۷، ص ۱۱) اسلام در تعریف خانواده همان معنای عرفی را تایید می نماید. (افروز، روان شناسی: همسران برتر، ۱۳۸۹ ش) و آن را گروهی متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کند. (اکبری، زندگی شیرین، ۱۳۸۰ ش) روان شناسان بسیاری اذعان داشته اند که «خانواده از دو همسر و فرزند یا فرزندان ایشان تشکیل می شود، بر این اساس شامل بقیه خویشاوندان نیست. (اکبری، صمیمانه با عروس و داماد، ۱۳۸۶ ش) بنابر این نظریه خانواده شامل زوجین، فرزندان و خویشاوندان ایشان است و با این معنا همسویی دارد. اسلام برای تمام افراد در مقابل خانواده، قوانین و سنت هایی اعم از حقوق و مسئولیت های اقتصادی و تربیتی وضع کرده و ایشان را ملزم به انجام آن ها ساخته است.

عوامل استحکام

اسلام راجع به استحکام و تعمیر زندگی خانواده اسباب و علل زیادی را بیان نموده است. از جمله مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- اظهار محبت

یکی از عوامل استحکام خانواده اظهار محبت با یکدیگر است. خداوند در آیه ی ۲۱ سوره روم، به اصل وجود عشق و احساس محبت متقابل بین زن و شوهر اینگونه اشاره می فرماید: یک نشانه خدا این است که برای شما همسر آفرید وقتی ازدواج می کنید لتسکنوا

الیها همسر برای آرامش است، از بین رفتن اضطراب است، کانون خانواده برای ایجاد آرامش و اطمینان است و بعد خدا دو وعده داده است؛ می گوید وقتی ازدواج می کنید «جعل» خدا قرار می دهد «بینکم موده و رحمه» خدا بین شما مودت و رحمت قرار می دهد، موجب می شود باهم دوست و رفیق بشوید. مرحوم علامه طباطبایی قدس سره می فرماید: فرق رحمت و مودت این است که مودت در قلب است و رحمت در عمل است. یک وقت انسان یکی را دوست دارد ولی ابراز نمی کند این مودت و محبت است. (طباطبائی، تفسیر المیزان، ۱۳۹ق، ۱۶۶، ۱۶) اما یک وقت دوستی اش را ابراز می کند و می گوید دوستت دارم، برایش چیزی می خرد، او را مسافرت می برد این رحمت می شود. پیامبر رحمت می فرماید: «قول الرجل للمرئه انی احبک لیذهب من قلبها ابداء» (عاملی، ۱۴۱۴ق، ۲۳/۲۰)؛ اگر مردی به زنش بگوید من تو را دوست دارم این جمله هرگز از ذهن زن خارج نمی شود. بعضی می گویند این حرف ها زن را لوس می کند یا این حرف ها مرد را لوس می کند. نه، این گونه نیست، امام حسین (ع) فرمود:

لَعَمْرُكَ إِنِّي لِأَحِبُّ دَارًا تَحُلُّ بِهَا سَكِينَةٌ وَ الرَّبَابُ أَحَبُّهُمَا وَ أَبْدُلُ جُلِّ حَالِي وَ لَيْسَ لِإِلَائِمِي فِيهَا (عِتَابُ) (الآغانی، ۱۳۶۸، ۱۶، ۱۳۶)؛ من خانه ی را دوست دارم که در آن رباب، همسرم باشد. ائمه ع محبت شان را ابراز می کردند. عوامل پایداری محبت اعتماد زوجین به یکدیگر است که زن و شوهر باید اعتماد یکدیگر را جلب کند؛ اعتماد که پیدا شد، محبت پایدار می شود. البته اعتماد یک امر قرار دادی نیست که دو نفر با هم قرار داد ببندند تا به یکدیگر اعتماد کنند، بلکه باید با رعایت حدود و موازین شرعی و رعایت اخلاقی اسلامی به دست آورد. (اکبری، صمیمانه با عروس و داماد، ص ۸۵-۸۶. ۱۳۸۷) پس می شود گفت محبت باعث استمرار بنیاد خانواده ها می شود. چنانچه رسول مکرم اسلام می فرماید: «كَلَّمَا أَزْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا أَزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ» (میزان الحکمه نویسنده: الری شهری، جلد: ۱۰، صفحه: ۴۷۰). هر چه ایمان بنده افزایش یابد، عشق وی به زنش بیشتر می شود. در جای دیگر می فرماید: «كُلُّ مَنْ أَشْتَدَّ لَنَا حُبًّا أَشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبًّا» (همان)... هر کس محبتش به ما (اهل بیت) بیشتر باشد محبت او به همسرش شدیدتر است. در روایتی دیگر

امام صادق علیه السلام برای کسی که با همسرش به نیکی رفتار کند دعا می فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ» (مکارم الأخلاق، جلد ۱، صفحه ۲۱۷)؛ خداوند رحمت کند بنده ای را که به نیکی بین خود و زوجه اش رفتار می کند. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم یکی از سه چیز مورد علاقه اش را در دنیا، دوستی نسبت به زن می شمارد. «حَبِيبُ أَلَى مِنَ الدُّنْيَا، ثَلَاثٌ، النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ وَ جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (مجلسی، ج ۷۶، ص ۱۴۱)؛ از دنیای شما سه چیز را دوست دارم، زنان، عطرها و نور چشم من در نماز است. یک شیوه عملی برای افزایش محبت خانواده این است که گهگاهی مرد در کنار همسرش نشسته و با وی به دور از هیاهوی زندگی اقتصادی و معیشتی به گفتگو بپردازد، مشکلاتش را بشنود و راه چاره ای برای آنها بیابد و از ایجاد هرگونه عقده ای نامطلوب جلوگیری کند. پیامبر اسلام می فرماید: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ أَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا» (ورام بن ابي فراس، مجموعة ورام، جلد: ۲، ص ۱۲۲)؛ نشستن مرد نزد همسرش نزد خداوند متعال، از اعتکاف او در این مسجد من، دوست داشتنی تر است. با توجه به آیات و روایات می شود گفت لازمه شادابی و نشاط روانی زن و مرد، به ویژه زن، این است که خود را محبوب همسر خویش ببیند و از عشق و علاقه او به خود مطمئن باشد. همین اعتماد و اطمینان، امنیت خاطر زن را تأمین می کند و به آرامش روانی او می افزاید. حمایت و مهربانی قلبی مرد، آنقدر برای زن ارزش دارد که زندگی زناشویی بدون آن برای زن قابل تحمل نبوده و هرگز احساس خوشبختی نمی کند. زن اگر از عواطف و تعهد همسر ارضا شود، عالی ترین احساسات خود را نثار شوهر می کند و بیشترین فداکاری را نثار زندگی و شوهر خود خواهد کرد. بنابراین، مهمترین وظیفه اخلاقی و انسانی مرد این است که همسر خود را از همان آغاز زندگی، از محبتی که به او دارد آگاه سازد و پیوسته با نثار محبت و انجام کارهایی که نشان از علاقه و پایداری عشق او به همسر است، نهال نورسیده زندگی زناشویی را سیراب و سرسبز سازد. «خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَأْلَفَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَ لَا يُؤْلَفُ» (مجلسی، ج ۶۴، ص ۲۹۷)؛ بهترین مؤمنان کسی است که با مؤمنان انس بگیرد و کسی که انس نگیرد و انس نپذیرد، خیری در او نیست. زن نیز باید

به شوهر خود عشق بورزد و از اظهار محبت به او دریغ نکند و علاقه خود را به گونه های مختلف بیان و از خدمات مرد و تلاش او قدردانی کند و با برجسته کردن فداکاری های مرد، به او توجه کند. ابراز علاقه زن به شوهر، افزون بر جلب رضایت و عواطف شوهر، موجب افزایش انگیزه مرد برای تلاش و تأمین آسایش خانواده می گردد. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «زن باید با اظهار علاقه و با دلربایی و آرایش در برابر شوهر، به گونه ای عمل کند که رضایت و خوشنودی شوهر جلب شود.»

۲- تشکر و قدر دانی

تشکر و قدردانی از این نعمت بزرگ الهی آنقدر نزد خدا محبوب است که قرآن کریم ضمن اینکه شاکر و شکور را از نامهای خدا دانسته، فرموده است: «و سیجزي الله الشاکرين» (آل عمران/ ۱۴۴)؛ خداوند پاداش شکرگزاران را خواهد داد. از صادق آل محمد ع سؤال شد، گرامی ترین مخلوق نزد خدا کیست؟

حضرت پاسخ داد: «من اذا أعطي شکر و اذا ابتلي صبر» (مجلسی، ج ۷۱، ص ۵۳)؛ آن که وقتی به او عطیه ای دهند سپاسگزاری کند و هرگاه گرفتارگردد صبر را پیشه ی خود سازد. در جای دیگر می فرماید: «من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل» (همان مدرک، ص ۴۴)؛ هر آنکه در قبال بخشش دیگران به او، شکر و سپاس را به جای نیآورد، از خدا سپاسگزاری نکرده است. امام سجاده می فرماید: روز قیامت خداوند متعال به بعضی از بندگانش می گوید: آیا شکر فلان کس را به جای آوردی عرض می کند: پروردگارا! من شکر تو را به جای آوردم، خداوند می فرماید: چون شکر او را به جا نیآوردی شکر مرا هم به جا نیآورده ای! سپس افزود «أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ» (الکافی، ج ۲، ص ۹۹، بَابُ الشُّكْرِ، ح ۳۰)؛ شکرگزارترین شما در پیشگاه خدا کسی است که از نعمت ها و زحمات مردم بیشترین قدردانی و شکرگزاری را به عمل آورد. سپاسگزاری از همسر، عامل بسیار مؤثر در حفظ و بقای نظام خانواده به شمار آمده است. تشکر به معنای اظهار تقدیر و تجلیل در برابر نعمت ظاهری یا معنوی است که از سوی مُنعم به فرد می

رسد. اظهار تقدیر شامل اظهار زبانی و عملی می باشد. (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۹۹). قرآن کریم می فرماید:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (نساء، ۱۴۷). ؛ اگر سپاسگزار باشید نعمت بر شما فراوان نازل می شود و چنانچه ناسپاسی کنید، عذاب خدا شدید است. در مواردی، شخصی که مورد لطف و محبت همسر خود قرار گرفته، گمان می کند سپاس گزار امری زاید و تشریفاتی است، اما نمی داند که ابراز تشکر، تأثیری بس عظیم بر روح همسر باقی می گذارد. بر همین اساس، امیرالمؤمنین ع شکر را مترجم نیت دانسته و فرموده اند: «الشکر ترجمان النية و لسان الطوبى» (آمدی، غررالحکم، ص ۲۱۲). ؛ سپاسگزاری، بازگو کننده ی نیت و زبان درون است.

نقش تشکر در تحکیم بنیاد خانواده تا جایی است که امام صادق (علیه السلام) آن را ملاک بهترین همسر معرفی کرده و فرموده اند: «خیر نسائکم التي ان أعطیت شکر و ان مُنعت رَضیت» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱). ؛ برترین همسران شما زنی است که اگر به او عطا شود، مراتب سپاس را به جا آورد و اگر چیزی از او دریغ شود، راضی باشد. امام صادق (ع) می فرماید: «وَإِنَّ خَيْرَ الْعِبَادِ مَنْ يَجْتَمِعُ فِيهِ خَمْسٌ خِصَالٍ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبَشَرَ وَإِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِذَا ظَلِمَ غَفَرَ» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۰۷). ؛ بهترین بندگان کسی است که پنج صفت داشته باشد: هرگاه کار نیکی انجام دهد خوشحال شود، هرگاه کار بدی انجام دهد استغفار کند، هر گاه به او نعتی داده شود شکر کند، هر گاه گرفتار شود صبر کند و هرگاه به او ظلم شود ببخشد. هریک از زن و شوهر، برای دیگری، اول، دینی است که در قبال آن مسئول است؛ دوم، نعمتی الهی است که به حکم عقل باید قدر او را بداند و سپاسگزارش باشد.

۳- ادب و احترام

یکی دیگر از مواردی که اسلام در این راستا بدان بسیار اهمیت قائل گردیده، رعایت احترام به اعضای خانواده است. در دین مبین اسلام در حرمت برخی افراد، مکان-ها و

موضوعات تأکید ویژه^۱ ای شده است، مثلاً حرمت حرم الهی، کتاب قرآن، حرمت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) و احترام به استاد و مربی از جمله این موضوعات است، که به آن تأکید بیشتری گردیده و تعهد بدان موجب پاداش و عدم رعایت آن موجب عقاب خواهد بود. چنان که قرآن کریم در بخشی از آیه سی^۲ ام سوره حج چنین می^۳ فرماید: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمَ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ» (حج/۳۰). این است که آنچه به عنوان مناسک حج قرار داده ایم و هر کس مقررات خدا را بزرگ شمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است... در حدیثی از امام سجاد (ع) آمده است: «وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَتَرْفُقُ بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرُكَ.» (صدوق من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۱)؛ و حق زن این است که بدانی خداوند او را مایه^۴ آرامش و آسایش و همدلی تو قرار داده است. پس باید بدانی که این لطف و نعمتی از جانب خداوند عزوجل به توست، تا این که او را تکریم کنی و با وی نرم خو باشی، هر چند حق تو بر او واجب^۵ تر است. پس، حق او بر تو این است که با وی مهربان باشی؛ زیرا او اسیر دست توست. حفظ احترام خانواده‌ها و خوبی کردن به آن‌ها، باعث دلگرم شدن همسران نسبت به زندگی مشترک می‌شود. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می فرماید: «افعلوا الخير ما استطعتم، فخير من الخير فاعله» (تصنيف غرر الحکم ص ۱۵۴)؛ تا می‌توانید خوبی کنید، زیرا بهتر از خوبی کسی است که خوبی می‌کند. چیزی بهتر از خوبی وجود ندارد، مگر پاداش آن.» احترام متقابل میان زن و شوهر به صورت‌ها و گونه‌های مختلفی در ارتباط همسران نمود می‌یابد. یکی از آنها سلام کردن است. سلام نوعی اعلام محبت، دوستی و اظهار محبت در آغاز گفت و گو و هنگام داخل شدن به منزل است. سلام همچنین نوعی اظهار ادب و احترام است. امام علی علیه السلام درباره جایگاه سلام در روابط اجتماعی و خانوادگی می فرماید: «زبان‌ت را به نرم و لطیف گویی و سلام کردن عادت بده تا دوست دارانت زیاد و دشمنانت اندک گردند.» (خوانساری، شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۳۲۹، ح ۶۲۳۱). رعایت ادب در ارتباط با همسر نیکوترین هدیه و آشکارترین نشانه احترام و او است. امام علی علیه

السلام می فرماید: «ادب نیکو بهترین کمک کار و برترین همراه است. (همان ج ۳، ص ۳۸۴، ح ۴۸۱۵). همچنین حضرت فرمودند: «ادب نیکو سبب تزکیه و پاکسازی اخلاق است. (همان، ج ۴، ص ۱۲۱، ح ۵۵۲۰). اسلام دو جنس زن و مرد را در گوهر انسانی و شرافت، یکی می داند و از این لحاظ تفاوتی بین ایشان قائل نیست، قرآن کریم تمام انسان‌ها را بدون در نظر گرفتن جنسیت و نژاد و ... دارای کرامت می داند «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/ ۱۷، آیه ۷۰) اشاره به این اصل مهم و اساسی است. اما در این میان، اکرام و احترام نسبت به زن جایگاه خاص و ممتازی دارد که پیامبر اکرم (ص) در این مورد فرموده‌اند: «مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا الْكَرِيمَ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا اللَّئِيمَ» (الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۶، ۱۴۰۹ هـ.ق، ص ۳۷۱، حدیث ۴۴۹۴۳؛ السیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۶۳۲، حدیث ۴۱۰۲).؛ جز کسی که بهره‌ای از کرامت برده باشد، زنان را احترام و اکرام نمی کند و به زنان، اهانت نمی کند مگر انسان پست. و نیز امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارشان می فرمایند: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيَكْرِمْهَا فَإِنَّمَا الْمَرْأَةُ لُعْبَةٌ فَمَنْ اتَّخَذَهَا فَلَا يُضَيِّعُهَا» (المجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، پیشین، باب ۲، ص ۲۲۴، حدیث ۵)؛ هر کس زنی بگیرد، باید احترامش کند. زن شما لعبت و دلبر است، هر کسی لعبتی به دست آورد، نباید آن را ضایع سازد. از دیدگاه اسلام، زن میهمان محترمی است، که اکرام و احترام نسبت به او لازم و ضروری است، چه زمانی که او دختری در خانه پدر است و چه زمانی که همسری در کنار شوهر و یا مادری مهربان برای فرزندان باشد که در همه حالات فوق توصیه‌های فراوانی در روایات یافت می شود که دلیل بر لزوم احترام و اکرام نسبت به او است. در حدیث دیگری وارد شده که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الْأَخِيْرُ كَمِ الْخِيْرِكُمْ لِنِسَائِهِمْ وَ الْأَخِيْرُ كَمِ الْخِيْرِكُمْ لِنِسَائِهِمْ» (العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، پیشین، باب استحباب الاحسان الی الزوجه، ص ۱۷۱، حدیث ۱۱؛ القمی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، پیشین، باب حق المرأة علی الزوج، ص ۳۲۰، حدیث ۱۴)؛ بهترین شما مردی است که با زنش خوش رفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به زنانم خوش رفتارترم.

۴- عذر خواهی و عذر پذیری

طبیعی است که گاه زن یا شوهر دچار خطایی می شوند و همسر خود را رنجور و افسرده می سازند، در نتیجه، کانون خانواده که کانون محبت و صفاست، متزلزل می شود. اگر به دنبال خطا، عذر خواهی و پوزش نباشد، اثر ناگوار آن برای همیشه در روح و جان دیگری باقی می ماند. در عذر خواهی باید سه نکته را در نظر داشت:

۱- هرگاه یکی عذر خواهی کرد، شایسته است که طرف مقابل نیز عذر او را بپذیرد؛ چرا که حضرت علی (ع) فرمود: «شر الناس من لا يقبل عذر ولا يقيّل الذنب» (شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۱۶۵) بدترین مردم کسی است که معذرت خواهی دیگران را نپذیرد و از خطاهای شان در نگذرد.

۲- عذر خواهی باید متناسب با مقدار خطا باشد، نه کمتر و نه بیشتر.

۳- مرتکب نشدن به جرم و خطا، بهتر از عذر خواهی است؛ چنانکه حضرت علی می فرماید: بی نیازی از عذر خواهی، ارجمند تر از عذر خواهی است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۹)

۵- عفو و بخشش

هیچ کس جز معصومین ع از خطا و اشتباه مصون نیست و زن و مردی که زندگی مشترک را آغاز می کنند، به ویژه در ابتدای راه، ممکن است برخی گفتار و رفتارهای یکدیگر را نا ثواب بدانند. در این گونه موارد باید با سعه صدر با هم رفتار کنند و لغزش های یکدیگر را ندیده بگیرند. اغماض و عفو و گذشت آبی است که آتش غضب و کینه را فرو می نشاند و به انسان آرامش روحی می بخشد. اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: زن چه حقی بر عهده همسر خویش دارد که اگر آنها را برآورده سازد نیکوکار خواهد بود؟ امام در پاسخ فرمود: خوراک و پوشاک او را تامین کند و نادانی او را ببخشد. سپس فرمود: پدرم امام باقر ع همسری داشت که او را اذیت می کرد ولی پدرم او را می بخشید. (وسائل الشیعه، جلد ۲۰، ص ۱۶۹) پیامبر فرمود: «تعاfoo تسقط الضغائن بینکم» (نهج الفصاحة، جلد ۱،

ص ۳۸۵، ناشر: ۱۳۸۲ ش)؛ از یکدیگر در گذرید تا کینه ها از میانتان رخت بر بندد. گذشت عاملی مؤثر در ایجاد و تقویت دوستی ها و روابط حَسَنه است، چنان که خداوند می فرماید: «هرگز نیکی و بدی یک سان نیست. بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است» (الفصلت/۳۴) لذا اگر در دشمنی ها، گذشت و بزرگواری چنین تأثیری می گذارد، بدیهی است در خانواده که به طور طبیعی روابط دوستانه وجود دارد، عمیقاً کارساز خواهد بود. اما خود این گذشت ها و بزرگواری ها از ایمان و تقوای اعضای خانواده سرچشمه می گیرد. از امام صادق (ع) پرسیده شد: «ما حق المراه علی زوجها الذی اذا فعله کان محسناً قال ... و ان جهلت عفو لها العالمی، وسائل الشیعه، ج، ۲۰ پیشین، باب استحباب الاحسان الی الزوجه...، ص ۱۶۹ حدیث ۱، فروع الکافی، ج، ۵ پیشین، ص ۵۱۰؛ حق زن بر شوهرش چیست که اگر مرد آن را انجام دهد نیکو کار است فرمودند... اگر زن از روی جهل خطایی کرد، مرد او را ببخشد.

۶- رازداری و عیب پوشی

روابط زن و شوهر از تمامی روابط انسانی نزدیک تر است و صمیمیت مطلوب میان همسران اقتضا می کند که هر یک حافظ اسرار دیگری در مسائل خانواده باشد. زن و شوهر باید عیوب یکدیگر را بپوشانند و نزد دیگران بیان نکنند و اسرار و راز های هم را پنهان دارند. قرآن می فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (نساء/۳۴)؛ زنان صالح در زمان غیبت شوهر حافظ و نگهدار عفت خود و مال و آبرو و راز شوهر هستند. و نیز می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره/۱۸۷) زنان لباس شما مردان هستند و شما لباس زنان هستید یعنی همان گونه که لباس، پوشاننده ی بدی هاست، زن و شوهر نیز پوشاننده ی عیب ها و نگهدار اسرار یکدیگرند. یکی از بزرگترین معایبی که هر زن و شوهری ممکن است گرفتار آن شوند این است که اسرار و راز های زندگی خود را برای کسانی که نمی توانند گرهی از کارشان بگشایند می گویند و به اصطلاح درد دل می کنند؛ برای مثال

زنی به یکی از دوستان خود می گوید: شوهرم هیچ گاه به من پول نمی دهد و نسبت به مادرم رفتار نا مناسبی دارد و دائما به من توهین می کند. این زن بطور نا خود آگاه شوهر خود را نزد خانواده و دوستان خود تحقیر می کند و همسر او در نظر آنان هیچ گاه به عنوان همسر ایده آل جلوه نخواهد کرد. مسائل و مشکلات خانوادگی خود را تنها با صاحب نظران و کارشناسان، روان شناسان و مدد کاران در میان بگذارید، بدانید هر خانواده ای ضعف هایی دارد. کسانی که ضعف زندگی خود را برای دیگران بیان می کنند در واقع مشکل زندگی خود را بیشتر می کنند. (اکبری، صمیمانه با عروس و داماد، ص ۸۵-۸۶، ۱۳۸۷)

۷- تقویت باورهای دینی

از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع) باورها و اعتقادات همانند توحید، نبوت و معاد نقش اساسی در تحکیم روابط اعضای خانواده دارند. بی بهره ماندن برخی از خانواده‌ها از این باورها، در همه مراحل، مشکلات متعددی را در پی دارد و ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی سلب می کند. یک فرد باورمند به عقاید دینی که در مقام عمل نیز فرامین دینی را انجام می دهد، معتقد به حفظ پاکدامنی است و چنین فردی بسیار بعید است که به همسرش خیانت کند، زیرا خیانت کردن را گناهی بزرگ می داند. طبیعی است که وقتی در یک زندگی مشترک، خیانتی اتفاق نیفتد، ستون‌های آن زندگی مستحکم تر خواهد شد. باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن خود به خویش نزدیک تر می بیند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/۱۶)؛ ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم. تلاش می کند تا در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت آنها را جلب نماید. توجه به عدالت خدا، اینکه هیچ ظلمی را روا نمی دارد و حق هیچ مظلومی را ضایع نمی کند، زمینه شناخت دیگری برای مهار رفتاری اعضای خانواده است. هرچه این حالت قوی تر باشد، مشکلات فرد کمتر خواهد بود. وقتی

فردی در ظاهر و در عمل به عقاید دینی اش پایبند باشد، احترام و محبت به همسر و فرزندان را یک فریضه دینی می‌داند. بدیهی است که وقتی کانون یک خانواده با مهر و عطوفت گرم باشد، بقا و دوام چنین خانواده‌ای افزایش می‌یابد. علاوه بر این، وقتی یک زوج جوان به باورهای دینی خود عمل کنند، چنین زوجی می‌دانند که اسراف کردن، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی در دین اسلام جایگاهی ندارد و در این شرایط مشخص است که اوضاع اقتصادی این خانواده نیز ثبات بیشتری می‌یابد. یعنی در شرایطی که خیلی از ازدواج‌ها به دلیل ولخرجی یکی از زوج‌ها از هم می‌پاشد و مشکلات اقتصادی به عاملی برای جدایی زوج‌ها تبدیل می‌شود، یک زوج با باورهای عمیق مذهبی از اسراف و تجمل‌گرایی دوری می‌کنند و آن را گناه می‌شمارند. در واقع، مدیریت اقتصادی و اسراف نکردن را نیز باید یکی از عوامل مهم در استحکام خانواده‌ها دانست. اینها فقط یک گوشه کوچک از تاثیر باورهای مذهبی در حفظ زندگی مشترک است که البته این تاثیرات فقط زمانی به موفقیت در زندگی مشترک می‌انجامد که عمل به باورهای دینی فقط در زبان و ظاهر خلاصه نشود، بلکه در مقام عمل و رفتار هم موارد اخلاقی اشاره شده در دین از سوی این زوج‌ها رعایت شود. به قول شاعر زندگی بر اساس باورهای دینی یک زوج مصداق این شعر زیباست که می‌گوید: رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست، می‌برد آنجا که خاطر خواه اوست.

۸- توجه به مسائل عاطفی و غریزی

اولین کشش مشترک میان انسان و حیوان که ضامن حفظ و بقای فردی انسان است و نیازهای حیاتی وی را تأمین می‌کند، غرایز نام دارد. با برانگیخته شدن غرایز، حالاتی عاطفی در انسان به وجود می‌آید (ر.ک؛ حسین‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۸) این حالت دومین کششی است که تنها در وجود انسان نهادینه شده است و حیوانات از آن بهره‌ کمی دارند و به آن عاطفه یا هیجان گفته می‌شود. عاطفه در لغت به معنای توجه و میل (ر.ک؛ شیروانی، ۱۳۷۹: ۱۸۴) و در اصطلاح به احساساتی اطلاق می‌شود که در ارتباط با یک موجود زنده باشعور، در نفس انسان تحقق می‌یابد و او را وامی‌دارد تا به نفع آن موجود گامی بردارد یا دست‌کم با وی اظهار

همدردی یا احساس ترحم و یگانگی کند (ر.ک؛ سیری در سپهر اخلاق، ۱۳۸۹، ج ۲: ۵۴۴) و به بیان دیگر، می‌توان گفت: «عاطفه یک حالت درونی است که جلوه و انعکاس آن به صورت هیجان بروز می‌کند» (قائمی، بی‌تا: ۱۶۶) بنابراین، عاطفه انسانی برخلاف غرایز که پشتوانه خودخواهی دارد، استعدادی درونی است که پشتوانه دیگرخواهی در انسان به وجود می‌آورد. منابع دینی به همان اندازه که به عقل اهمیت داده‌اند و آن را ستایش کرده‌اند، به عاطفه نیز توجه و به اهمیت آن تأکید نموده‌اند. قرآن در آیات فراوانی به این موضوع اشاره دارد؛ از جمله: «فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران/۱۵۹)؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (الفتح/۲۹)؛ محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان هستند. «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...» (آل عمران/۱۰۳)؛ و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید. خانواده نخستین نهاد اجتماعی است و ازدواج به عنوان یکی از نخستین و مهم‌ترین رسوم اجتماعی برای دستیابی و تقویت نیازهای عاطفی، غریزی و امنیتی همواره مورد توجه بشر بوده است. روابط عاطفی مطلوب و سلامت جنسی نقش مهمی در استحکام کانون خانواده داشته و همواره در شریعت مقدس اسلام مورد تأکید بوده است. غریزه جنسی در کلام الهی از نیازهای فطری انسان-ها است. دستورات اسلام در مورد سلامت جنسی به صورت اکمل و اتمم بوده و در نظام خانواده تأکید فراوان شد. از دیدگاه اسلام، القای تفکری مثبت نسبت به ارضاء عاطفی و جنسی زوجین در نهاد خانواده با ازدواج به عنوان یک نیاز واقعی امکان-پذیر بوده و آن را موجبات تمتع و لذت، آرامش روانی، رشد و کمال، پوشاندن عیوب همدیگر، کامل نمودن نیمی از دین خود، صیانت از گناه، حفظ اخلاق و عفت و بالاخره ثواب اخروی ذکر نموده بود.

۱۰- صداقت در گفتار و رفتار

خداوند متعال در قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/۱۱۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید و با صادقان باشید. صداقت یکی از مهمترین نیازهای عاطفی در زندگی مشترک است. در صورتی که صداقت بین زن و شوهرها وجود داشته باشد، احساس عشق و محبت آنها عمیق تر می شود. صداقت زن و شوهر را به یکدیگر نزدیک می کند. در یک خانواده سالم، صداقت، درستی و قابل اعتماد بودن از ضروری ترین اجزای رابطه هستند. امام باقر می فرماید: «تعلموا الصدق» (الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴) قبل الحدیث پیش از سخن گویی، راستگویی بیاموزید «صداقت» یکی از صفاتی است که باید در تمامی مراحل زندگی یک فرد رعایت شود. در یک تعریف ساده، صداقت نمایان کردن بی کم و کاست آن چیزهایی است که در ما وجود دارد. صداقت، فقط گفتن یک جمله ی راست نیست؛ بلکه تطابق فعل و گفتار فرد با آن چیزی است که در گذشته بوده است، در حال هست و در آینده خواهد بود. مراقب باشیم که ذره ای از صداقت کم نگذاریم. یکی از عناصر محبوبیت، صداقت است. «الصُّدُقُ رَأْسُ الدِّينِ؛ نسبت راستی با دین، نسبت سر با بدن است». «بِالصُّدُقِ تَكُونُ النَّجَاةُ» (تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، جلد: ۱، ص ۱۳۶۶/۳۹۸ ش)؛ رستگاری دنیا و آخرت در راست گویی است». صداقت بالاترین سطح کیفیت در شخصیت انسان است. یک تعهد واقعی بین رفتار و روابط اجتماعی است. صداقت برای داشتن یک زندگی موفق بسیار ضروری است. شخصی که صادق است از تنش و درگیری به دور است و زندگی طولانی تری دارد. باید فضای خانواده را به گونه ای هدایت کنیم که افراد خانواده، نجات خود را در گرو صداقت در گفتار و رفتار خویش بدانند و این امر زمانی محقق می شود که رفتار و گفتار ما برای خانواده امنیت خاطر لازم را فراهم کند امیر المومنین (ع) در وصف متقین می فرماید: «مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ» (نهج البلاغه، خطبه متقین)؛ یعنی گفتار متقین درست و صواب است. سخن درست و صواب دو ویژگی دارد: اول آنکه حق است و دوم آنکه بجا است. بنابراین، صداقت و راستی باید در تمام مراحل وجودی و زندگی انسان تحقق پیدا کند؛ یعنی از لحاظ

افکار و عقاید، از لحاظ خوی‌ها و صفات نفسانی، از جهت رفتار و کردار و اعمال، و از جهت گفتار و بیان، اگر انسان تمام حرکات و سکنات و همه ی احوال او روی صدق، راستی، درستی و حقیقت صورت گیرد. در زندگی زناشویی صداقت به عنوان رکنی مهم در تشکیل رابطه ایی توأم با عشق به حساب می آید چرا که اساس زندگی را تشکیل داده و بنیان های آن را استوار می کند سستی رابطه از دروغ به وجود آمده است فردی که به خواستگاری دختری می رود خصوصیت فردی، اجتماعی و خانوادگی اش را بدون کم و کاست و به دور از بزرگ نمایی مطرح کند، چرا که هیچگاه ماه پشت ابر نمانده و دروغ گورسوا شده و چنین ارتباطی تداوم چندانی نخواهد داشت.

۱۱-هدیه دادن

یک سیره در در همه فرهنگ ها و آیین ها همه اقشار مردم چه دین دار باشد و چه غیر دین دار در همه عقلا وجود دارد و رائج است این است که وقتی کسی ازدواج می کند به او هدیه می دهد، خداوند هم در قرآن این هدیه را مودت، محبت و سکونت قرار داده است. چنانچه در سوره مبارکه روم می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱)؛ و از نشانه های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این نعمت برای مردمی که می اندیشند قطعا نشانه هایی است. رسول خدا ص می فرماید: هدیه دادن مرد به همسر خود از عوامل افزایش پاکدامنی زن است (من لا یحضره الفقیه، ح ۵۸۳۱) تقدیم تحفه و هدیه به اعضای خانواده، از جمله همسر، چنان اهمیتی دارد که رسول خدا (ص) می فرمایند: «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً، فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِبِجٍ» (ثواب الأعمال: ص ۲۳۹ ح ۱، الأما لی للصدوق: ص ۶۷۲ ح ۹۰۴ کلاهما عن ابن عباس.)؛ هر کس به بازار برود، تحفه ای را خریداری کند و به خانواده اش هدیه کند، همانند کسی است که صدقه ای را به گروه نیازمندان رسانده باشد. اسلام هدیه را راهی برای نزدیکی قلوب می داند و بر آن تاکید دارد در کتاب بحار روایتی آماده

است «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدِيَّةُ أَمَامَ الْحَاجَةِ وَقَالَ تَهَادَوْا تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذَهَبُ بِالضَّغَائِنِ» (بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۷۲؛ ص ۴۴)؛ به یکدیگر هدیه دهید، تا نسبت به همدیگر با محبت شوید. به يك هدیه به معنای ارمان، پیشکش و تحفه است. هدیه آن چیزی است که برای دوستان و خویشان فرستاده می شود تا این گونه مهر و محبت خود را اظهار کنیم. واژه هدیه از هدایت به معنای راهنمایی از روی لطف گرفته شده است (راغب اصفهانی، ص ۸۳۵) در قرآن شتری که برای قربانی در حج می کشند، به عنوان هدیه معرفی می کند که بیانگر آن است که هدایت به سوی تقوای الهی دارد، زیرا با هدیه و قربانی به پیشگاه خدا، جهت گیری انسان به سوی حقیقت تغییر می یابد؛ چرا که خون و گوشت قربانی به خداوند نمی رسد و آنچه از این هدیه و قربانی به خدا می رسد، همان تقوایشگی مردم و اظهار عبودیت و درامان ماندن از خشم الهی است. (مائده، آیه ۹۵؛ حج، آیه ۳۷) از نظر قرآن، مهریه زنان نیز به یک معنا هدیه ای از سوی شوهر است. (نساء/۴) دیگر هدیه دهید؛ زیرا هدیه کینه ها را می برد. مهم اصل و هدیه سوغات است قیمت آن چندان مهم نمی باشد حضرت رسول (ص) فرمودند: «إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَى سَفَرٍ ثُمَّ قَدِمَ عَلَى أَهْلِهِ فَلْيُهْدِهِمْ وَ لِيُطْرِفَهُمْ وَ لَوْ حِجَارَةً» (بحار الأنوار: ۲۸۳/۷۶/۰۲)؛ پیامبر خدا (ص) می فرمایند: هر گاه یکی از شما به سفر رفت هنگامی که به سوی خانه و خانواده اش بر می گردد حتماً برایشان هدیه و سوغات آورد حتی اگر شده سنگی باشد! هدف رسول (ص) این نیست که سنگ هدیه آورند بلکه می گویند هدیه هر چند ارزان و ناچیز هم باشد موضوعیت دارد و خوب است که مرد خانواده دست خالی برنگردد.

عوامل فروپاشی

۱-جدل، بد اخلاقی و بد زبانی

در فرهنگ اسلامی اولویت و تقدیم خانواده یک اصل به حساب می آید و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد. آیاتی با این معنا در قرآن کریم به مکرر آمده است «لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (فصلت، آیه ۳۴)؛ خوبی با بدی مساوی نیست، بدی را باید

با بهترین روش دفع کرد. «إدفع بالتي هي أحسن السيئة» (مؤمنون، آیه ۹۶)؛ رفع کن بدی را با خوبی. «فإذا الذي بينك وبينه عداوة كأنه وليٌ حميم و ما يلقها الا الذين صبروا و ما يلقها الا ذو حظ عظيم» (فصلت، آیه ۳۵-۳۴)؛ اگر انسان بدی را با خوبی دفع کند، دشمنی جای خود را به دوستی گرم و صمیمانه می دهد؛ البته چنین رفتاری تنها سیره صابرا نی است که بهره های فراوان دارند. در این آیه شریفه علت این امر را توضیح می دهد و می فرماید این صفت فقط برای کسانی است که صبر فراوان می کنند. دفع بدی به خوبی یکی از زیرشاخه های صبر است. بنابراین در آیه شریفه می فرماید؛ این صفت صابران است. امام جعفر صادق (ع) در حدیثی طولانی فرمودند: وقتی آیه فوق نازل شد، پیامبر اکرم (ص) صبر کرد، تا جایی که به آن حضرت بسیار تهمت و ناسزا گفتند و سینه حضرت از این سخنان تنگ شد. پس خدای متعال این آیه شریف را نازل کرد: «ولقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون فسبح بحمد ربك و كن من الساجدين» (حجر، آیه ۹۸-۹۷)؛ ما می دانیم آن سخنان، دل تو را تنگ می کند، ولی نباید غصه بخوری، بلکه باید با شرح صدر این مشکلات را حل کنی و آنها را در دلت جا ندهی؛ پس پروردگارت را تسبیح و سجده برای خدا کن. بدخلقی و بداخلاقی یکی از صفات رذیله ای است که در اسلام مورد نکوهش قرار گرفته است. «اولئك لهم عقبي الدار»؛ چه عاقبت خوبی خردمندان دارند (جوادی آملی، ج ۴۲، صص ۳۳۴-۳۱۰).؛ معنای عقبی الدار سرانجام محمود و پسندیده است؛ یعنی همان عاقبت به خیری. در آیه شریفه به طور مطلق و بدون هیچ قیدی عاقبت به خیر را مخصوص خرمندان بیان می کند و برای کسانی که عاقبت بد دارند از «لهم سوء الدار» (رعد، آیه ۲۵) استفاده می کند. برای آنان جایگاهی بد است (المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۱، ص ۵۳۱). هر کس خواستار عاقبت به خیری است حتما باید در اخلاق عملی فردی، خانوادگی و اجتماعی صفات خرمندان را داشته باشد. برعکس آن، خوش خلقی و برخورد نیکو با دیگران از صفات و فضیلتی است که در آیات قرآن مجید و روایات ائمه اطهار (ع) بسیار مورد تاکید قرار گرفته است. رسول خدا (ص) فرمود: «بدترین مردم، فرد سختگیر بر خانواده است» شخصی پرسید: مراد از سختگیری بر خانواده چیست؟ فرمود:

هرگاه مرد وارد خانه شد همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و هرگاه از خانه بیرون رفت همسرش شاد شود. این صفت رذیله، از جنبه اجتماعی، مشکلات جدی در روابط ما با دیگران ایجاد می‌کند و از محبوب شدن ما نزد دیگران می‌کاهد. از امام صادق (علیه السلام) نقل است: «المومن له قوه فی دین و حزم فی لین... و لیس بواهن و لا فظ و لا غلیظ؛ (کافی، ج ۲، ص ۲۳۱) مؤمن، در دین خود قوی و در عین نرمی و ملایمت با تدبیر است...» و سست و خشن و سنگدل نیست.

۲- پیر توقعی (حد نشناسی)

توقعات زوجین از یکدیگر باید کاملاً واضح و مشخص باشد. خوشبختی و آرامش اصلی ترین توقع زوجین از یکدیگر است. اما متأسفانه بعضی از زوجین بعد از ازدواج هم از لحاظ شخصیتی و هم رفتاری عوض می‌شوند. این تغییرات باعث بالا رفتن توقع از هم خواهد شد. مهم ترین دلیل توقعات بالای همسر معمولاً تغییر و سبک زندگی های خانواده در جامعه مدرن امروزی است. متأسفانه امروزه خانواده ها به دلیل چشم و هم چشمی در تمام امور با هم در حال رقابت هستند.

توقعات مرد از همسرش

از مهم ترین توقعات مرد از همسرش میتوان به عشق و محبت و توجه و مهربانی و خانه دار بودن زن اشاره کرد. مرد دوست دارد همسرش مادر خوبی برای فرزندانش باشد به گونه ای که خیالش از بابت خانه راحت باشد، مرد دوست دارد همسرش کاملاً او را درک کند، در هر شرایطی و با هر امکاناتی پا به پای او بیاید، مرد از زن انتظار دارد که احترام پدر و مادر و خانواده اش را داشته باشد و پشت سر آن ها غیبت نکند، مرد دوست دارد همسرش از او حمایت کند و تنها به او توجه کند، از دیگر توقعات مرد از همسرش این است که در همه حال پشت او باشد و او را برای تصمیماتش تحسین و تشویق کند.

توقعات زن از همسرش

توقعات زن از همسرش شامل موارد زیر می باشد: مرد گوش شنوا داشته باشد، در امور خانه و بزرگ کردن فرزندانش به او کمک کند، همواره پشتیبان او باشد، همیشه از زحمات زن در خانه تشکر کند و برای این قدردانی مدام برایش هدیه بگیرد، همسرش به او اعتماد داشته باشد، شوهرش اجازه دهد که او در فعالیت های ورزشی شرکت کند. از دیگر توقعات زن از همسرش این است که مردانشان بیش از حد حساس باشند، همه کارهای آن ها را ببینند و از آن ها تقدیر و تشکر کنند، زنان دوست دارند مردانشان از لحاظ اقتصادی پیشرفت کنند، زنان دوست دارند که مردانشان در جمع تنها به آن ها توجه کنند.

۳- سوء ظن

چنان که امیرالمؤمنین (ع) در روایتی می فرماید «مَنْ لَمْ يُحْسِنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۴، ح ۵۳۳۳)؛ آن کس که گمان خود را نیکو نکند و بدبین باشد، از هر کسی وحشت می کند «سوء ظن یا شک به معنای «گمان بد» در مقابل «حسن ظن» به معنای «گمان نیک» می باشد. یکی از دلایل مهم تجسس، سوء ظن به شخص مقابل می باشد در قران کریم به صراحت از سوء ظن در امور دیگران منع شده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ » (حجرات ۱۲)؛ کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان ها گناه است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی چنین تأکید می فرماید «اللَّهُ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ» (الامالی صدوق، ص ۳۸۵)؛ خداوند بنده ای را دوست دارد که کار خود را به درستی و دقت انجام می دهد»

حاصل آنکه مرض سوء ظن، یکی از آفات بزرگ برای کانون خانواده است، به طوری که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - آن را در کنار آدم کشی و مال مردم خوری قرار داده است، در روایت آمده است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - به کعبه نگاه کرد و فرمود: «ای کعبه تو خیلی احترام داری اما احترام مومن از تو هم بیشتر است برای اینکه خدا از تو یک چیز را

حرام کرده است، ولی از مؤمن سه چیز را: کشتن او، بردن مال او، و سوء ظنّ به او را (مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۱). همچنین حضرت علی (ع) در این باره فرموده‌اند: «سوء الظن یفسد الامور و یبعث علی السرور» (واسطی، عیون الحکم و المواعظ، جلد ۱، ص ۳۸۳/ ۱۳۷۶ ش)؛ گمان بد کارها را فاسد کرده و انسان را بر کارهای زشت وامی‌دارد» و حتی در حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل شده است: کسی که به برادر خود سوء ظن داشته باشد به تحقیق به خداوند بدی کرده است، زیرا خداوند فرموده: «اجتنبوا کثیراً من الظن» (حجرات ۱۲)؛ از بسیاری از گمان‌های بی‌اساس دوری کنید». برخی از زوجین گاهی نسبت به هم بدبین هستند که این بدبینی باعث بروز مشکلاتی در زندگی آن‌ها می‌شود. زنی که نسبت به همسرش و یا شوهری که نسبت به همسرش شک دارد اگر این شک و بدبینی ادامه پیدا کند منجر به تنش‌ها و اضطراب‌هایی در زندگی می‌شود. آن‌چه حائز اهمیت است این است که نباید در مورد دیگران قضاوت عجولانه داشته باشیم اگر در یک خانواده زن نسبت به همسر و یا شوهر نسبت به همسر و فرزندان بدبین باشد زندگی آن‌ها شیرینی خود را از دست داده و زندگی برایشان تاریک می‌شود.

۴- مقایسه

یکی از آسیب‌هایی که می‌تواند زندگی زناشویی را مورد تهدید قرار دهد مقایسه همسران است. زن و شوهر هنگامی که همدیگر را با دیگران مقایسه می‌کنند چیزی جز دلسردی در روابط آنها بدنبال نمی‌آورد، چرا که خود مقایسه کردن نوعی تحقیر محسوب می‌شود و به عدم پذیرش فرد توسط همسر خویش تفسیر می‌شود. مقایسه کردن هر کس با دیگران کار درستی نیست و کسی که بدین امر مبادرت می‌نماید، به یک نکته اساسی توجه نکرده و آن توجه به اصل تفاوت‌های فردی است. باید به خاطر داشت که قرآن نیز به امر متفاوت بودن انسان‌ها توجه داشت و در مقام بیان آن در سوره نوح می‌فرماید: «وقد خلقکم اطواراً» (نوح/ ۱۴)؛ به تحقیق شما را گوناگون متفاوت آفریدیم. پیامدهای مقایسه کردن شوهر با دیگر افراد

مقایسه کردن همسر با دیگران و به رخ کشیدن و برشمردن امتیازات دیگران نسبت به همسر، یکی از کارهایی است که منشأ سرد شدن زن و شوهر نسبت به هم می شود. در حالی که مرد دوست دارد زنش از او ستایش نماید و زن هم علاقه دارد شوهرش به او ابراز عشق و محبت کند. بر همین اساس رسول (ص) می فرماید: «سخن مرد به زن، که بگوید به راستی من تو را دوست دارم، باعث می شود هرگز محبت آن مرد از دل زن بیرون نرود.» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰)؛ در جایی دیگر نیز می فرماید: «زمانی که مرد و زن به یکدیگر نگاه محبت آمیز نمایند، خداوند بزرگ هم به آن دو با رحمت و لطفش می نگرد.» (نهج الفصاحه، ح ۶۲۱)؛ معمولاً مقایسه کردن همسر موجب دلسردی و کاهش انگیزه او در ادامه تلاش ها می گردد. ادامه مقایسه ها گاه موجب بروز دعوا و پرخاشگری در محیط خانه شده و آرامش را از میان می برد. دوام دعوها در محیط خانواده، ادامه ی حیات آن را به طور جدی در معرض خطر قرار می دهد و گاه نتیجه مقایسه چیزی جز پیدایش ناپایداری و یا طلاق در خانواده نیست.

۵- لجاجت

یکی از صفات رذیله، لجاجت در برابر حق است که در قرآن و روایات از آن نهی شده است. تعدادی از آیات قرآن، مشرکان را به سبب لجاجت در کفر و شرک خود، مذمت و توبیخ می کند: و من هر زمان آنها را دعوت کردم که ایمان بیاورند و تو آنها را بیامرزی، انگشتان خویش را در گوش هایشان قرار داده و لباس هایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند. (نوح، ۷) پیوسته آیات خدا را می شنود که بر او تلاوت می شود، اما از روی تکبر اصرار بر مخالفت دارد؛ گویی اصلاً آن را هیچ نشنیده است؛ چنین کسی را به عذابی دردناک بشارت ده. (جاثیه، ۸) امام صادق (ع) نیز در روایتی، شش خصلت را برمی شمرد که در مؤمنان وجود ندارد: «سخت گیری، کارشکنی، لجاجت، دروغ گویی، حسدورزی و ستم کاری» (شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۲۵/ ۱۳۶۲ش؛ حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ص ۵۷۹، ۱۴۱۰ق) امام علی (ع)

در این گفتار به یکی از مهم ترین آثار سوء لجاجت اشاره کرده، می فرماید: «اللَّجَاجَةُ تُسَلُّ الرَّأْيَ» (نهج البلاغه/ ص ۵۵۱، / ۱۴۱۴ ق)؛ لجاجت، فکر و رأی انسان را از میان می برد. «تسل» از ریشه «سل» بر وزن «حل» در اصل به معنای بیرون کشیدن شمشیر از غلاف با نرمش و یا خارج کردن هر چیزی به مدارا و نرمی است. در حدیثی از امام امیرمؤمنان آمده است: «إِيَّاكَ وَمَذْمُومَ اللَّجَاجِ فَإِنَّهُ يُثِيرُ الْحُرُوبَ» (تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، جلد: ۱، ص ۴۶۴ / ۱۳۶۶ ش)؛ از خصلت نکوهیده لجاج پرهیز که آتش جنگ ها را شعله ور می سازد. لجاجت گاه سبب از هم پاشیدن خانواده ها، به هم خوردن دوستی های پرسابقه، ایجاد اختلاف در میان شرکا و به هم خوردن وحدت صفوف می شود و اگر لجاجت در مدیران جامعه پیدا شود آثار سوء آن بسیار گسترده تر است. به همین دلیل در احادیث فراوانی که از رسول خدا و ائمه هدی (علیهم السلام) به ما رسیده لجاجت سخت نکوهش شده است؛ از جمله در حدیثی از رسول خدا (ص) می خوانیم: «الْخَيْرُ عَادَةٌ وَالشَّرُّ لَجَاجَةٌ» (زمخشری، أساس البلاغه، جلد ۱، ص ۴۳۸ / ۱۹۷۹ م)؛ خوبی سبب می شود که انسان به کار خیر عادت کند و انجام کارهای بد ناشی از لجاجت است. در حدیث دیگری از امیرمؤمنان می خوانیم: «اللَّجَاجُ بَذْرُ الشَّرِّ» (تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، جلد: ۱، ص ۳۱ / ۱۳۶۶ ش)؛ لجاجت بذر بدی هاست. در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است. «اللَّجَاجُ أَكْثَرُ الْأَشْيَاءِ مَضَرَّةً فِي الْعَاجِلِ وَالْأَجَلِ» (همان)؛ لجاجت زیان بارترین اشیا در دنیا و آخرت است.

نتیجه گیری

سیره معصومین (ع) در تمامی مراحل زندگی، الگوی بشر برای رسیدن به کمالات انسانی و اخلاقی است و شیوه های تربیتی آن حضرات، به ویژه در زمینه همسررداری، می تواند سعادت خانواده را تضمین نماید. عوامل زیادی در تعمیر و استحکام خانواده و سرزندگی آن مؤثرند که در این مقاله به مهم ترین آنها پرداخته شده است. از جمله مهم ترین آنها عبارتند از: اظهار محبت، تشکر و قدر دانی، ادب و احترام، عذر خواهی و عذر پذیری،

عفو و بخشش، رازداری و عیب پوشی، تقویت باور های دینی، توجه به مسائل عاطفی و غریزی، صداقت در گفتار و رفتار، هدیه دادن. همچنین از عوامل تخریب خانواده می توان موارد زیر را نام برد: جدل، بد اخلاقی و بد زبانی، پر توقعی (حد شناسی) ، سوء ظن و مقایسه.

کتابنامه

- القرآن
نهج البلاغه
ابن ادريس حلی، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، محقق، موسوی، حسن بن احمد، ابن مسیح، ابو الحسن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق، چاپ سوم.
افروز، غلامعلی، روان شناسی: همسران برتر، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ دهم، ۱۳۸۹ش.
- اکبری، محمود، زندگی شیرین، قم، گلستان ادب، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
اکبری، محمود، صمیمانه با عروس و داماد، قم، نورالزهراء، چاپ دهم، ۱۳۸۶ش.
پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، جلد ۱، ص ۳۸۵، ناشر: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، جلد: ۱، ص ۳۹۸، ناشر: دفتر تبلیغات، قم: ۱۳۶۶ش.
- جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، بی تا، ص ۶۳۲، حدیث ۴۱۰۲.
- جمال الدین محمد خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم
حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارا لعلم
الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، چاپ اول.
- رفیعی محمدی، ناصر، سخنرانی های استاد رفیعی: ویژه خانواده، ناشر: دار المبلغین، ۱۳۹۷.
زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغه، ناشر: دار صادر، ۱۹۷۹م.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحي صالح)، مصحح: صالح، صبحي، ناشر: هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
- شیخ صدوق، الخصال، محقق، غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش

طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال،
بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ هـ.ق.

کلینی، محمد بن یعقوب «الکافی»، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق، چاپ: چهارم.
لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، جلد ۱، ص ۳۸۳ ناشر: دار الحدیث،
قم ۱۳۷۶ ش

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط- بیروت)، ناشر: دار إحياء التراث
العربی، بیروت،

محمد، محمدی ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، عربی- فارسی، مترجم حمید
رضا شیخی، قم دار الحدیث، ۱۳۸۷.

محمد بن علی بن الحسن ابن بابویه القمی، من لایحضره الفقیه.

معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ ش.

مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق. ۱۳۸۶.

نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل مؤسسه آل البيت (ع)،
الاحیاء التراث، قم،

ورام بن ابي فراس، مسعود بن عیسی، مجموعة ورام، ناشر: مكتبة فقیه، قم، ۱۴۱۰ ق
